

## تحلیل مقایسه‌ای عملکرد ساخت‌یابی در روند انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) و انقلاب مصر (۲۰۱۱)

فرهاد سهامی<sup>۱</sup>  
اصغر فروغی ابری<sup>۲</sup>  
مرتضی نورایی<sup>۳</sup>

### چکیده

انقلاب‌ها به‌عنوان جزئی از روابط بین‌الملل همواره یکی از بسترهای مطالعاتی در سیاست تطبیقی محسوب می‌شوند و در میان انقلاب‌های مهم در تاریخ بشری، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بر خیل عظیمی از مطالعات سیاسی تأثیر گذاشت؛ زیرا ابعاد، ماهیت، روند و مؤلفه‌های آن نیز متمایز از انقلاب‌های مادی قبل از خود بود. این انقلاب دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی بوده است که زمینه‌ساز مانایی و استمرار آن شده است و در نقطه مقابل، خیلی از رویدادهای انقلابی در جهان اسلام به دلیل ناتوانی در کسب این مؤلفه‌ها، به وادی انحراف و سقوط گام می‌نهند. انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در مصر نیز یکی از انقلاب‌های جدید در روند بیداری اسلامی بوده است که با وجود رسیدن به پیروزی، به وسیله یک کودتای نظامی به چالش کشیده شد. به همین دلیل مقاله حاضر تلاش دارد عملکرد دو انقلاب ایران و مصر را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای و مطالعات توصیفی تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود؛ عملکرد ساخت‌یابی در روند انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) و انقلاب مصر (۲۰۱۱) چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ برای تبیین این موضوع از چارچوب نظری ساخت‌یابی گیدنز و عملکرد ساختار- کارگزار بهره گرفته می‌شود و تجزیه داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS انجام می‌شود. برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که انقلاب ایران و مصر در شاخص‌هایی نظیر؛ رهبری، استحکام قدرت، استقلال سیاسی، اسلام‌گرایی، وفاداری ارتش، تغییرات مطلوب، همبستگی دولت و ملت، شبکه‌های ارتباطی، کنشگری جوانان، اقتدارگرایی، کارآمدی، ارزش‌های متعالی، هویت ملی، وابستگی اقتصادی، شکاف مذهبی، توسعه پایدار، استکبار ستیزی و الهام بخشی با یکدیگر تمایز دارند.

**کلیدواژه‌ها:** انقلاب اسلامی ایران، تحلیل مقایسه‌ای، مصر، استقلال سیاسی، رهبری، توسعه پایدار، استقلال سیاسی و اقتصادی.

**Email:** farhadsahami426@yahoo.com

**Email:** a. foroghi@ltr.ac.ir

**Email:** mortezanouraei@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه اصفهان

۲- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۳- استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

## مقدمه

در روند انقلابی سال ۲۰۱۱ کشور مصر، اسلام سیاسی متأثر از تحولات و فرآیندهای سیاسی این کشور و ضرورت تثبیت در حرکت پراگماتیسم اسلامی، قدرت سیاسی با مفاهیمی مانند آزادی سیاسی، فردگرایی، پارلمانتاریسم، پلورالیسم و دموکراسی پیوند می‌خورد (نظری و صیادی، ۱۳۹۴: ۲۰۱)؛ اما یک سال از گفتمان اسلام‌گرایی اخوان نگذشته بود که این گفتمان به علت عدم درک شرایط سیاسی و اقتصادی و به دلیل تأکید بر دانش التقاطی، نداشتن دال برتری همچون رهبری امام خمینی(ره) و نشانه‌های همچون ولایت فقیه، ناتوانی در کنترل مراکز ساختاری قدرت همانند ارتش و نیروهای امنیتی پیشین و غیره توانست در جریان تحولات سیاسی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ حاکمیت خود را در عرصه سیاسی مصر حفظ کند و در مواجهه با بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناکام مانده و به حاشیه رفت. مجموعه این تحولات موجب بی‌قراری گفتمان حاکم شده و زمینه برای ظهور گفتمان رقیب هر چند از طریق کودتا فراهم گشت (اکوانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۹). این مسئله زمانی حائز اهمیت می‌شود که بسترهای شکل‌گیری و روند انقلابی کشور مصر مشابه شرایط انقلابی ایران بوده است. اما انقلاب ۱۳۵۷ ایران با وجود گذشت چند دهه، همچنان پایدار است. به همین منظور تلاش می‌شود تا دو انقلاب ایران و مصر را در سطح ساختار- کارگزار مورد بررسی قرار دهیم. برای تبیین دقیق داده‌های موجود سعی می‌شود شاخص‌های مشترک میان انقلاب ایران و مصر استخراج شود و با رویکرد مقایسه‌ای- تطبیقی این شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهیم تا عملکرد ساختاری در روند انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) و انقلاب مصر (۲۰۱۱) به خوب تبیین شود و شاخص‌های افتراق و تشابه را به صورت پرسش‌نامه‌هایی در بین فرهیختگان دانشگاهی توزیع نموده و از بین آنها ۲۰۰ مورد را بررسی نموده‌ایم که پایایی آنها از طریق نرم‌افزار SPSS سنجیده می‌شود.

## الگوی نظری پژوهش؛ ساخت‌بندی (ساختار-کارگزار)

تئوری ساخت‌یابی<sup>۱</sup> گیدنز از مهم‌ترین تئوری‌های تلفیقی در جامعه‌شناسی است. گیدنز در این تئوری با تلفیق دو سطح خرد و کلان در تئوری‌پردازی تلاش کرده تا بینش تئوریک جامع‌تری را برای توصیف و تحلیل ساختارهای اجتماعی و کردارهای عاملان اجتماعی به دست دهد (صدیقی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). از این رو، نظریه‌های اجتماعی را از لحاظ اهمیت قائل شدن به کارگزار یا ساختار در تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: نظریه‌های کارگزار محور، نظریه‌های ساختارمحور و نظریه‌های کارگزار درون ساختاری که در برگیرنده دیدگاه‌های گیدنز (نظریه ساخت‌یابی) و بسکار و جسوپ (واقع‌گرایی انتقادی) است (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۲۵). به تعبیر آنتونی گیدنز<sup>۲</sup>، ساختار به مختصات نهادینه شده در نظام‌های سیاسی و اجتماعی اشاره دارد که مبتنی بر قواعد و منابعی است که تشکیل نظام ملی در گرو آن

1. Structuration Theory
2. Anthony Giddens

است ( گیدنز، ۱۹۸۴: ۱۷۹). والتز ساختار را بر اساس سه مؤلفه تعریف می‌کند: اصل سازمان‌دهنده (خودیاری)، کارکرد واحدها (کارکرد همهی واحدها تأمین بقای خود و امنیت‌جویی است) و توزیع توانمندی‌ها (به دلیل ثابت بودن آنارشی و کارکرد مشابه واحدها آنچه اهمیت دارد توزیع توانمندی‌ها می‌باشد که تغییر در آن می‌تواند باعث تغییر در ساختار نظام بین‌الملل شود) (صابردوست، ۱۳۹۰: ۳). نظریه پردازان ساختارگرا نقش فرد را چندان با اهمیت نمی‌دانند و تأکید دارند که ساختارهای تعیین‌کننده در امور مدنی همان رفتار کارگزار یا کارگزاران می‌باشد. لاجرم، در تحلیل روندهای سیاسی باید شالوده ساختارهای اجتماعی را بررسی نمایند (سیدمام، ۱۹۹۶: ۱۴۸). از این رو، دیدگاه ساختارگرایی تلاش دارد حوادث، رویدادها، فرایندها و نتایج سیاسی و اجتماعی قابل مشاهده را بر حسب عملکرد ساختارهای اجتماعی و سیاسی را که بازیگران حامل آنها هستند، تبیین نماید (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۳۰۹). رویکرد ساختارگرا، بر نقش قواعد و منابع محدودساز یا تشویق‌کننده، شرایط و بسترهای اجتماعی، دولت و ساخت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، در فهم نوع رفتارهای اجتماعی تأکید می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۸). پس هر کنش سیاسی و اجتماعی نظیر روند انقلابی مصر، در برگیرنده ساختاری است که عاملیت و ساختار در هم تنیده شده‌اند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۳۱). نظریه دولت‌محوری مبتنی بر ساختارگرایی در چهار روایت متمایز تشریح شده است:

الف. رویکرد دولت-استقلال: این دیدگاه بر متغیر استقلال دولت تأکید می‌کند؛ طبق این دیدگاه، سیاست مردان، دیوان‌سالاران و مقام‌های نظامی ممکن است هویت، علاقه، آرمان‌گرایی و در نهایت، جهت‌گیری عملی خود را به راهی سوق دهند که با روش گروه‌های سازمان‌یافته در جامعه مدنی یا مقام‌های رسمی دیگر دولت‌ها، بسیار تفاوت داشته باشد؛ در واقع، ممکن است گاهی علاقه‌های مأموران دولتی در انباشت منابع و بسیج جمعیت با علاقه‌های گروه‌های اجتماعی قدرتمند تضاد داشته باشد.

ب. رویکرد دولت-توانایی: بر توانایی (یا ناتوانی) بالفعل مادی و سازمانی دولت در اجرای موفقیت‌آمیز تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأکید دارد و حتی به توانایی رویارویی دولت با عوامل قدرتمند در جامعه مدنی یا دیگر دولت‌ها توجه می‌کند؛ این دیدگاه بر تغییرهای مربوط به منابع مالی دولت‌ها، قدرت نظامی، دستاوردها یا نفوذ سازمانی در جامعه مدنی به‌طور عمده توجه دارد (کشاورز و عابدینی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۲).

پ. رویکرد دولت-فرصت‌یابی: مطابق این رویکرد، برای اقدام مردم به عمل جمعی و تأثیرگذاری بر خط‌مشی دولت‌مردان، تحقق فرصت‌های سیاسی همراه با اموری مانند نارضایتی و سازماندهی، امری لازم تلقی می‌شود؛ بر اساس این رهیافت، در پایین‌ترین سطح، دولت باید ابزار کافی یا تمایل چندانی به سرکوب خشونت‌بار این گروه‌ها نداشته باشد؛ همچنین ممکن است این گروه‌ها بتوانند در صورت انشعاب دستگاه دولتی، با یک بخش آن، متحد و همدست شوند که این امر به آنها خیلی کمک می‌کند. همچنین

جنگ‌های بین‌المللی و فزون‌خواهی امپریالیستی، اغلب بحران‌های سیاسی ایجاد می‌کنند که خود باعث به‌وجود آمدن فرصت‌های غیرمنتظره برای بسیج سیاسی می‌شوند.

ت. رویکرد دولت- ساختمان‌گرایی: این رویکرد بر تأثیر دولت در شکل‌دادن به هویت‌ها، پیوندهای اجتماعی، آرمان‌ها و حتی عواطف کنش‌گران در جامعه توجه دارد. در ضمن بر چگونگی کنش‌های دولت‌های خارجی یا داخلی تأکید دارد که به‌طور آگاهانه، عملی و منطقی، پیش از هر چیز، باعث بعضی نارضایتی‌های جمعی، هیجان‌ها، آرمان‌ها و امور جمعی می‌شود (کشاورز و عابدینی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۲).

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، صاحب‌نظران برای تبیین کنش‌های انقلابی از رویکرد ساختارگرایانه بهره می‌جستند که به مؤلفه‌هایی چون رهبری، ایدئولوژی، احزاب و سازمان‌های سیاسی و فرهنگی، روشنفکران و کارگزاران تاریخی کمتر توجه می‌شد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۵۰)؛ اما بعد انقلاب ۱۳۵۷، رویکرد ساختار-کارگزار برای تبیین انقلاب‌ها و روندهای سیاسی مورد توجه قرار گرفت. در ساختاری، سعی بر ترکیب ساختار با اصل استقلال و عاملیت کارگزاران است و با نفی دوگانگی ساختار و کارگزار، آن دو به یک سکه تشبیه می‌شوند که دو روی آن به هم وابسته‌اند (بصیری و شیخ حسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). نظریه ساختاری گیدنز نشان می‌دهد چگونه ساختارهای اجتماعی به واسطه کارگزاران انسانی ساخته می‌شوند و در ضمن آنها واسطه‌های فرآیند ساختاری‌اند. ساختاری‌ها هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص را به‌گونه‌ای واگشتی سازمان می‌دهد. با این تلقی که ساختار در بیرون از کنشگر نیست، بلکه در خاطرات و اعمال اجتماعی وجود دارد و وادارنده و توانمندساز می‌باشد و نظام کنش را به‌گونه‌ای واگشتی سازمان می‌دهد. پس ساختار به‌صورت عملکردهای بازتولید شده کنشگران در بستر زمان و مکان در دو سطح خرد به‌صورت خاطره‌ها و در سطح کلان در نظام‌های اجتماعی‌اند. این فرآیند متأثر از وجود منابع و قواعداند و منابع امکان بازتولید نظام و سیستم اجتماعی را فراهم می‌کنند. از منظری دیگر، در ساختاری بیان خاص از رابطه‌ی بین انگیزه، نیت، آگاهی، ساختارها و عمل دیگران وجود دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹؛ حسنی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۰). بر اساس نظریه ساختمندی، تعامل و ارتباط دوسویه بین ساختار و کارگزار در انقلاب اسلامی ایران و مصر وجود دارد و همین امر ایجاب می‌کند به محیط یا بستر ساختاری یا کنش‌های وضعیت‌مند عاملان انسانی در روند انقلابی توجه شود؛ زیرا براساس محدودیت‌ها و مشوق‌های آنها کردارها و کنش‌های کارگزاران انجام می‌شود و هم باید به آگاهی و کنش‌های آگاهانه و اولویت‌های کنشگران و کارگزاران توجه می‌شود و هم باید به آگاهی و کنش‌ها و اولویت‌های کارگزاران انسانی در مسیر تحولات انقلابی توجه کرد (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در یک جمع‌بندی باید اذعان شود که مجموعه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند استمرار یا اضمحلال کنش سیاسی در دو انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ژانویه مصر در سطح ترکیبی ساختار-کارگزار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، نظری و توسعه‌ای بوده و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای می‌باشد. در علوم اجتماعی و سیاسی، اصطلاح روش تطبیقی به نوع خاصی از مقایسه یعنی مقایسه‌ی واحدهای کلان اجتماعی- غالباً با استفاده از داده‌های ثانویه- در یک دوره زمانی مشخص اطلاق می‌شود. از این رو، مهمترین وجه ممیزه‌ی روش تطبیقی از سایر روش‌ها، عبارت از بکارگیری و استفاده از واحدهای کلان اجتماعی (سیستم‌ها) به‌عنوان واحد تحلیل است. تحقیقات تطبیقی در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، گرایش دارند که بین جامعه‌ای باشند و از پدیده‌های کلان اجتماعی، حکایت کنند. از این رو، تحقیق تطبیقی در علوم اجتماعی تحقیقی است که دو یا چند جامعه، فرهنگ، یا کشور (در مطالعات تطبیقی، رویه‌ی غالب مقایسه‌ی کشورها بوده است) را به‌طور منظم و سیستماتیک مقایسه می‌نماید. در هر حال، در روش تطبیقی که غالباً، تبیین هدف اصلی و عمده‌ی تحقیق است واحدهای کلان اجتماعی محوریت دارند؛ چون این نوع واحدها، اجزای سازنده‌ی تبیین‌هایی هستند که تئوری پردازان اجتماعی و سیاسی عرضه نموده‌اند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۹۸). عده‌ای از نظریه‌پردازان نظیر مک اینتایر سیاست تطبیقی را به دلیلی پیچیدگی‌های مختلف سیستم‌های سیاسی مورد نقد قرار می‌دهد؛ اما نظریه پردازانی نظیر کلیفورد گریتر روش تحلیل تطبیقی را توصیف فربه می‌دانند که استفاده از تاریخ تطبیقی یا روایت‌های تحلیلی در آن وجود دارد. بنابراین اگر هدف، مقایسه کل نظام‌ها باشد، باید بسترهای تاریخی مورد بررسی قرار بگیرند (گودوین و تیلی، ۱۳۹۰: ۳۳۱-۳۳۰). راگین تأکید دارد که روش مقایسه‌ای مبتنی بر مطالعه تنوع‌ها در راستای یافتن تشابهات و افتراقات می‌باشد (راگین، ۱۹۹۴: ۱۰۶). از این رو، تحلیل مقایسه‌ای بخشی از روش‌های تجربی است که عموماً هدف آن مقایسه و بررسی تعداد معدود از یک متغیر در یک نمونه وسیع از واحدهاست. تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای علاوه بر آنکه اطلاعات جمع‌آوری شده به‌صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، با یکدیگر مقایسه هم می‌شوند (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۹۰). اگر مطالعه مقایسه‌ای واحدها به‌صورت سیستماتیک انجام شود می‌توان به؛ توصیف زمینه‌ای، طبقه‌بندی، آزمون فرضیه و پیش‌بینی دست یافت (منوچهری، ۱۳۹۰: ۲۵۶).

با توجه به ماهیت موضوع تحلیل مقایسه‌ای عملکرد ساخت‌یابی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر، اهداف روشی این پژوهش، توصیف زمینه‌های اجتماعی- تاریخی می‌باشد و واحد تحلیل، انقلاب ایران و مصر می‌باشد. متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه مقایسه‌ای، عبارت از؛ اقتدارگرایی، استحکام قدرت، کارآمدی، استقلال، حقوق انسانی، اسلام‌گرایی، هویت ملی، ارتش، وابستگی اقتصادی، شکاف مذهبی، تغییرات فرهنگی، توسعه پایدار، استکبار ستیزی، همبستگی، شبکه‌های ارتباطی، جوانان و الهام بخشی می‌باشد. براساس انتخاب نوع فرضیه‌ها و بهره‌گیری از چارچوب نظری ساخت‌بندی، سطح تحلیل مقاله نیز خرد (سطح فرد) و کلان (سطح نظام) می‌باشد.

## یافته‌های کیفی پژوهش؛ شاخص‌های عملکردی انقلاب

با تحلیل مقایسه‌ای عملکرد ساخت‌یابی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) و انقلاب مصر (۲۰۱۱)، یافته‌های زیر به دست آمد.

### رهبری و هدایت جامعه

رهبری امام خمینی(ره) بعد از سال ۱۳۵۷ منجر به حفظ انقلاب در ایران شد ولی محمد مرسی نتوانست از شکست انقلاب مصر جلوگیری به عمل بیاورد (اشرفی و سلامت، ۱۳۹۴: ۱۰۱). شکست انقلاب مصر را می‌توان ناشی از تضعیف مدیریت حاکم و عملکرد وی نظیر اتلاف منابع، از دست دادن مسیر استراتژیک انقلاب، عدم توانمندی در توسعه قابلیت‌های مورد نیاز و... دانست (هرسیج و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱). برخی از محققان، بی‌توجهی رهبران سیاسی اخوان به بازتاب اقداماتشان در جامعه و معنایی که از حضور گسترده وابستگان و هواخواهان آنان در عرصه سیاسی برداشت می‌شد، علت اصلی طرح اتهام اقتدارگرایی و تمامیت خواهی علیه جماعت توسط مخالفان بود. شکاف میان برداشت اخوان از معنای مشارکت سیاسی خود و برداشت سایر بازیگران از معنای این اقدامات، چرایی سرنوشت ناگوار محمد مرسی و سایر رهبران اخوان در عرصه سیاسی را به خوبی تبیین می‌نماید (دومانلو و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸).

### ساخت اقتدارگرایی توأمان با دموکراسی صوری

ساخت اقتدارگرایی حکومت، نخبگان حکومتی غیردموکراتیک و محدودیت‌های شدید ساختاری اعم از سیاسی، اقتصادی و حقوقی، ضعف‌های جدی در کنشگران و رهبران مدنی منجر به تثبیت اقتدارگرایی با دموکراسی صوری در سه دهه اخیر کشور مصر شده‌اند (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۵؛ غفاری و قلندری، ۱۳۹۲: ۶۵)؛ که می‌توان آن را با عبارت «روکش مردم سالاری برای یک نظام سیاسی فردگرا» توصیف نمود (هراتی، ۱۳۹۴: ۱۳). ریشه تاریخی این پدیده را می‌توان در فرعون‌گرایی سیاسی، جامعه آبیاری و شیوه تولید آسیایی (استبداد شرقی) در مصر دانست (رضادوست، ۱۳۸۵: ۱۲۶). البته رواج روند اقتدارگرایی در مصر، مربوط به نبود آگاهی سیاسی و بینش صحیح مردم می‌باشد که دولت را از خدمتگذاری در جامعه سنتی مصر دور کرده است (خدوری، ۱۳۶۹: ۵۸). این مسئله در حالی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ساختار پهلوی که مبتنی بر اقتدارگرایی بود، فروپاشید و پایه‌های مردم سالاری دینی در جامعه ایران تقویت شد. از این رو، ساختار سیاسی ایران برخلاف کشور مصر، به سمت دموکراسی حقیقی گام برداشت و صرفاً در ظاهر از موضوعاتی نظیر آزادی، نظارت، دموکراسی و... سخن به میان نیامد بلکه عملیاتی شدند.

### استحکام ساخت درونی قدرت نظام سیاسی

رژیم‌های سیاسی منبث از فرآیند انقلاب، همواره با دو الگوی تداوم و عدم تداوم روبه‌رو می‌شوند؛ از همین رو پس از پیروزی انقلاب‌ها، حفظ قدرت سیاسی یکی از دستاوردهای اصلی است. پس از پیروزی

انقلاب اسلامی ایران، اسلام‌گرایان توانستند در مقابل بحران‌های سیاسی، خود را حفظ کرده و حکومت‌شان را نزدیک به چهل سال ادامه می‌دهند، در حالی که در مصر، در مقابل بحران‌های سیاسی، ضعف نشان دادند و از قدرت کنار زده شدند (گراوند، ظفری و ذهابی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). ارتباط دولت و ملت در فرآیند استقرار و تداوم انقلاب اسلامی، قدرت درونی ایران را مستحکم ساخت که می‌توان آن را با عنوان «بنیان مرصوص» نام‌گذاری کرد؛ اما در کشور مصر، شکاف اجتماعی و سیاسی منجر به شکنندگی قدرت نظام سیاسی در این کشور شد که دستاورد آن، شکست انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر بود.

### مشروعیت و کارآمدی

بحران مشروعیت و بحران کارآمدی در سطح دولت همراه با وقوع برخی بحران‌ها در سطح جامعه از قبیل افزایش فاصله طبقاتی و گسترش فساد زمینه را برای تکوین جنبشی ائتلافی در مصر ضد رژیم حاکم فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد وجود برخی عوامل در مصر از قبیل رشد طبقه متوسط جدید طی سال‌های اخیر، حضور احزاب با سابقه در میان جنبش مانند اخوان المسلمین و تلاش‌های این حزب برای روزآمد کردن خود همراه با گسترش وسائل ارتباط جمعی نوین بر اثر جهانی‌شدن امکان‌گذار در مصر به یک رژیم مردم‌سالار را فراهم نماید. البته وجود برخی عوامل از قبیل نبود رهبری مشخص، نامشخص بودن نوع رژیم آینده مصر در شعارهای فعالان جنبش همراه با تلاش‌های نیروهای خارجی برای دخالت در تحولات مصر و تمایل برخی از فعالان جنبش به انجام رفتارهای خشونت‌آمیز از جمله آسیب‌های فرا روی گذار به مردم‌سالاری در مصر و شکنندگی قدرت در این کشور است (مسعودنیا و سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۳). به عبارتی دیگر، عدم شفافیت در سیستم سیاسی، ناکارآمدی مؤسسات دولتی، تمرکز قدرت، منابع و نفوذ در دست گروه‌های منتسب به حکومت، عدم پاسخگویی دولت و سرانجام عدم دستیابی به قواعد حکمرانی خوب همراه با افزایش فاصله میان ثروتمندان و فقرا موجب بحران مشروعیت و کارآمدی در قبل و بعد از انقلاب مصر شده است (موسوی، سید مسعود و نقدی، فرزانه، ۲۰۱۴: ۱۶۵). مردم مصر با کنش سیاسی خود، خواستار برچیده شدن ناکامی‌های رژیم دیکتاتور در این کشور بودند؛ اما کارگزاران حکومتی جدید، چندان به ارزش‌های سیاسی انقلابیون پایبند نبودند که این بحران کارآمدی و فقدان مشروعیت، زمینه‌های رشد گفتمان‌های رقیب را فراهم کرد. در نقطه مقابل، عملکرد مطلوب کارگزاران حکومتی در رفع ظلم و ستم، رسیدگی به درخواست و مطالبات عمومی، همسویی با سیاست‌های مردم‌گرایانه، پاسخگویی و روحیه خدمتگذاری و... منجر به خنثی‌شدن تهدید بحران کارآمدی شد و با توجه به همراهی مردم و مسئولین در مسیر اهداف انقلاب اسلامی در پرتو ارزش‌های متعالی اسلام، هیچ‌گونه مشکلی در موضوع مشروعیت به وجود نیامد.

### استقلال پایدار سیاسی

یکی از علل ناکامی اخوان المسلمین در تشکیل حکومت با ثبات در مصر را می‌توان عوامل خارجی از قبیل دخالت‌های کشورهای نظیر آمریکا، عربستان سعودی، ترکیه و قطر دانست (ملائکه و حسینی، ۱۳۹۵: ۵۷). آمریکا و رژیم صهیونیستی از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به‌عنوان یک تشکل اسلامی مسلمان احساس خطر می‌کردند. به دنبال همین موضوع در ابتدا درصدد حفظ مبارک برآمدند و با به زیر کشیدن مبارک توسط مردم این کشور، تمام تلاش خود را برای ممانعت از پیروزی اخوان المسلمین به‌کار بردند؛ و پس از پیروزی محمد مرسی، در پس لبخندهای دیپلماتیک و در قالب حمایت از انتخاب مردم، سیاست‌های قهرآگین پیش‌گرفته و به ضربه زدن به جریان‌های اسلامی در مصر پرداختند (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵). به یک معنا، شیوه نوین مبارزه غرب با جنبش‌های اسلامی به همراه سر سپردن انقلابیون مصر به فرآیندهای سیاسی غربی، فرصت مصادره مشروعیت و نهایتاً سرکوب‌شان را فراهم کرد (فیضی، ۱۳۹۵: ۱۶۷). هم‌پیمانی و گام نهادن به سوی دول غربی توسط عده‌ای از کارگزاران سیاسی و نظامی، پایه‌های حکومت مرسی را سست کرد و همین مسئله، استقلال سیاسی مصر را مخدوش ساخت تا جایی که بی‌اعتمادی مردم را به ارمغان آورد. بی‌توجهی کارگزاران به مقوله استقلال پایدار سیاسی، یکی از عوامل شکست انقلاب در مصر بوده است. در انقلاب اسلامی ایران و روندهای سیاسی بعد از آن، کارگزاران و ساختار سیاسی و اجتماعی، همواره بر استقلال پایدار و همه‌جانبه تأکید داشتند که این موضوع در سیره نظری و عملی رهبران انقلاب اسلامی بازتاب مطلوبی داشته است.

### نقض حقوق و ارزش‌های متعالی

جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک و فرهنگی درک و فضایی گفتمانی از حقوق بشر در مصر بوجود آورد. این در حالی بود که دولت با طرد این تغییرات از پذیرش حقوق سیاسی-مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خودداری ورزید و با نقض حقوق و ارزش‌های متعالی چون حق حیات، آزادی، عدالت، کرامت و برابری، جامعه را برای حضور در عرصه انقلاب تحریک کرده است (دهبانی پور، ۱۳۹۵: ۵۳). ریچارد میشل این موضوع را براساس فساد دستگاه سیاسی حاکم در مصر در بی‌اعتنایی به خواسته‌های مردم تشریح می‌کند (میشل، ۱۳۸۹؛ آخته، ۱۳۹۰: ۱۱۶). عدم رعایت مناسب و منطقی حقوق بشر بعد از تحولات انقلابی در کشور مصر، حکمرانی خوب و پایدار را در این کشور تضعیف نموده و شرایط نامساعدی را فراهم کرده است (افشار و شرفی، ۱۳۹۱: ۴۵). این مسئله در حالی است که حقوق و ارزش‌های متعالی مورد نظر برای شهروندان ضمن تبلور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فاصله کوتاهی بعد از انقلاب اسلامی، گواهی بر رعایت کرامت انسانی و امنیت شخصی شهروندان در اجتماع و حریم خصوصی بوده است. رعایت موازین شرعی در خصوص حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، نظام جمهوری اسلامی را در برابر تهدیدات سیاسی واکسینه نموده است.



### اسلام‌گرایی (تدین و اسلام ناب در عمل سیاسی)

ایدئولوژی یکی از مؤلفه‌های انقلاب محسوب می‌شود که نقش مهمی در پیدایش اوضاع انقلابی و روندهای بسیج انقلابی دارد؛ به‌گونه‌ای که هم پل ارتباطی میان نارضایتی و بسیج سیاسی است و هم رهبری با استفاده از ایدئولوژی می‌تواند به بسیج سیاسی دست بزند. نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی و نظام‌سازی بعد از آن تأثیرگذار است (هراتی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). امام خمینی (ره) احیاگر میراث عظیم اسلامی است که با ایجاد دگرگونی در گفتمان حاکم از طریق انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل را با یک فضای زیستمانی نوینی مأنوس کرد و شاخصه اصلی آن، تدین و اسلامیت است. این جریان که با اندیشه‌های شخصیت‌هایی نظیر سید جمال اسدآبادی شروع شده بود، همواره در میان حلقه‌های محدود و معین ظهور یافت و قدرت نیافت تا به‌عنوان گفتمان مسلط عمل کند؛ حتی در زمانی که این روند توسط کسانی چون حسن البنا و سید قطب در مصر، ابعاد گسترده‌تری یافت، بازهم نتوانست وارد زندگی همه توده‌های مسلمان شود و طرحی نو دراندازد. امام (ره) برای نخستین بار توانست گفتمان بیداری اسلامی را تبدیل به عمل سیاسی کرده و نه تنها آن را وارد حوزه عمل همه توده‌های مسلمان، بلکه وارد خاطر جمعی همه مستضعفان جهان کند (ثابتی و بیژن، ۱۳۹۵: ۳۶۵). بنابراین به‌واسطه گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی است که انقلاب اسلامی توانسته استمرار تاریخی خود را حفظ کرده و اشاعه یابد و این اشاعه مرهون دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی یعنی هم‌نشینی سیاست و دیانت است (صفوی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). این در حالی است که در قانون اساسی تدوین شده توسط حکومت مرسی در مصر و برخی از هواداران سیاسی وی در این کشور، از جدایی دین از سیاست تأکید شد و همین موضوع باعث شد جریان‌ات اسلام‌گرای این کشور در برابر کودتای نظامی علیه مرسی واکنش چندانی نشان ندهند. اسلام‌گرایی سیاسی در کشورهای اسلامی، عامل پایداری و مانایی یک جامعه سیاسی مطلوب است و حکومت مرسی با پشت‌کردن به رابطه موثق دین و سیاست، به سرنوشت سیاسی خود پایان داد.

### هویت ملی منسجم

رقابت گفتمان‌های هویتی در جوامع عربی نظیر مصر زمینه‌ساز برخی از تهدیدات و بحران‌ها بوده است (مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). غلبه مؤلفه‌های هویتی متفاوت در دوره‌های مختلف، سبب بروز تفاوت‌های آشکاری در سیاست مصر شده است. پان عربیسم دوره‌ی جمال عبدالناصر، میهن پرستی دوره‌ی سادات، هویت دوگانه زمان مبارک و در نهایت هویت اسلامی دولت مرسی، هر یک چارچوب مفهومی و جهان بینی متفاوتی به سیاست‌گذار مصری در عرصه سیاست داده و سبب تنوع آن شده است. تحولات هویتی مبنای دگرگونی سیاست بوده و هرگونه تحول هویتی در سطح نخبگان حاکم، به تغییر در سیاست داخلی و خارجی مصر شکل می‌دهد (احمدیان، حسن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۵). اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که راهبرد امنیتی آمریکا در کشورهای نظیر مصر معطوف به تصاعد بحران و تهدیداتی که ماهیت هویتی

دارند، می‌باشد (مصلی نژاد، ۱۳۹۳: ۷۰). ملت مصر طی سال‌های زمامداری مبارک، با تعارضی جدی در هویت اسلامی و دینی خود مواجه شد و به همین دلیل در جهت بازسازی هویت از دست رفته خود همت گماشت. این بازسازی، نمود خود را در بروز اعتراضاتی نشان داد که در نهایت به سقوط رژیم مبارک انجامید. در اینجا احساس تحقیر مردم مصر در دو حوزه داخلی و خارجی و عدم تأمین حس احترام که از آن به‌عنوان عزت یاد شده است، موجب سرنگونی رژیم مبارک شد (طباخی ممقانی، ۱۳۹۳: ۵۷). اما به دلیل داشتن هویت‌های متعدد در روندهای انقلابی مصر بین طبقه متوسط این کشور، توان تاریخ‌سازی آن در حالت بینابین قرار گرفته است (بحرانی، ۱۳۹۳: ۱)؛ تا جایی که به دلیل نبود تجربه حقیقی مردم سالاری اسلامی در این کشور، با سقوط مبارک و حتی مرسی در این کشور، هویت ملی این کشور همچنان یکپارچه نیست و تعارضات هویتی کماکان ادامه دارد؛ تا جایی که بر دامنه شکاف سیاسی، بی‌ثبات نظام ملی، منازعات گفتمانی، فقدان انسجام اجتماعی و... در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ افزوده است.

در روند انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی و کارگزاران ضمن پاسداشت خرده هویت‌ها در کشور، همگی در پرتو هویتی واحد به استقلال و پایداری نظام می‌اندیشند. هویت مقاومت و ایستادگی، هویت استکبار ستیزی، هویت استقلال جویی و... در ذیل هویت اسلامی - ایرانی که دستاورد انقلاب اسلامی بود، جمع شدند و همین موضوع، قدرت نظم ایران را فزونی بخشیده است.

### وفاداری نیروهای ارتش و قوای مسلح

ویژگی‌های تاریخی و فرهنگ سیاسی مصر، وجود دشمن و تهدید خارجی، مأموریت حفاظت از پیمان کمپ دیوید و حمایت خارجی باعث شدند تا ارتش بر زیر ساخت‌های اساسی قدرت در این کشور تسلط یافته و دولت عمیقی را ایجاد کند. چنین وضعیتی موجب شده که نظامیان تحولات پرشتاب مصر را کنترل و هدایت کنند؛ تا جایی که نظامیان مصری ضمن نقش‌آفرینی در سقوط حسنی مبارک، طی یک برنامه‌ریزی یک‌ساله، توانستند با کودتای جامعه‌مدنی، دولت اخوانی محمد مرسی را سرنگون و با برگزاری انتخابات مهندسی شده، قدرت سیاسی را در این کشور به انحصار خود در آورند (پورحسن، ۱۳۹۵: ۵۳).

ارتش و نظامیان در مصر در روند پیش و پس از انقلاب، دو سیاست کلی را در پیش گرفتند؛ در مقطع پیش از پیروزی انقلاب، سیاست و جهت‌گیری ارتش مصر تلاش برای نزدیکی به ملت و افزایش مشروعیت مردمی خود با هدف تصدی پست‌های سیاسی و تقویت جایگاه خود در نظام پسانقلابی بود و پس از پیروزی انقلاب و سقوط مبارک، نظامیان کوشیدند با تثبیت جایگاه خود در قانون اساسی و امنیتی کردن فضا، پایه‌های قدرت خود را تحکیم ببخشند (مظاهری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۹). به عبارتی دیگر، سطح نهادمندی سیاسی، یکپارچگی نیروهای مسلح و واکنش جامعه مدنی در تحولات مصر، به نفع نظامیان و به ضرر انقلابیون بوده است (نیاکویی، ۱۳۹۵: ۶۵)؛ و گفتمان اسلام‌گرای اخوان به دلیل ناتوانی در کنترل ارتش و نیروهای امنیتی پیشین، نتوانست در جریان تحولات سیاسی مصر ۲۰۱۲-۲۰۱۳ حاکمیت خود را در عرصه سیاسی مصر حفظ کند (سمیعی و کیانی، ۱۳۹۴: ۲۶۹). برعکس این ماجرا،

ارتش و نیروهای مسلح به دلیل ارتباط نزدیک با مردم و همسویی با آرمان‌های انقلابی، با وجود گذشت چهار دهه از فرآیند انقلاب اسلامی، همچنان به نظام سیاسی و مردم وفادار بوده و در بحران‌های نظامی و سیاسی همواره پشتیبان نظام بوده‌اند.

### وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ

وابستگی اقتصادی به ابر قدرت‌ها و مشخصاً ایالات متحده، رژیم‌های سیاسی را در معرض آسیب‌پذیری زیادی قرار می‌دهد (نبوی و زمانی، ۱۳۹۴: ۲۸). این در حالی است که کشور مصر با دریافت یک میلیارد و سیصد میلیون دلار کمک از آمریکا، دومین دریافت‌کننده کمک خارجی از این کشور است. با شروع بهار عربی گمان می‌رفت آمریکا این کمک را قطع خواهد کرد؛ اما لابی اسرائیل، با تحرکی بی‌سابقه، آمریکایی‌ها را قانع کرد که تدوام کمک به مصر اهمیت حیاتی برای امنیت منطقه و آمریکا دارد (عبدالعاطی، ۱۳۹۵: ۶۷). بعد از گذشت چند صبحی از انقلاب مصر، برخی از مراودات اقتصادی با آمریکا و متحدان غربی آن آغاز شد که همین امر، وابستگی به قدرت‌های استکباری را فراهم می‌کند و پاشنه آشیل نظام سیاسی می‌شود. بعد از تحولات انقلابی ایران تلاش برای خوداتکایی، استقلال اقتصادی، تولید بومی، گرایش به الگوی بدیل اقتصادی و... منجر به قطع وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای استعمارگر شد و به هر میزان که ایران در این مسیر به جلو شتافت، بر دامنه قدرت نرم اقتصادی ایران و استقلال سیاسی افزوده گردید.

### شکاف مذهبی و ایدئولوژیکی

یکی از مهم‌ترین فرسایش‌دهنده‌های انقلاب مصر، شکاف مذهبی و ایدئولوژیکی است که در میان گروه‌های سیاسی این کشور نیز بازتاب یافته است. با توجه به آنکه مذهب و اسلام، در مصر، دارای سابقه‌ای طولانی است، اما بیشتر نیروهای مدنی چپ و لیبرال، به این امر رضایت دارند که کاربرد شریعت در سطح حداقلی باشد و در نقطه مقابل، گروه‌هایی بر حاکمیت دین تأکید دارند (سمعی اصفهانی و دهقان، ۱۳۹۳: ۶۰). بعد تحولات انقلابی سال ۲۰۱۱، شکاف عقیدتی میان شیعه و سنی ناشی از جریان‌ات سلفی‌گری در این کشور افزایش یافت (نساج و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۵). این نکته در حالی است که شکاف و افتراقات مذهبی و عقیدتی در هر کشوری، پایه‌های نظام ملی را متزلزل و آسیب‌پذیر می‌کند و با کوچکترین تهدید و چالش درونی و بیرونی، می‌تواند عامل انفجار این شکاف‌ها و نابودی انقلاب مردمی شود. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به کثرت قومیت‌ها، اقلیت‌های دینی و گروه‌های مذهبی مختلف، اما همدلی و وحدت جمعی ایرانیان منجر به مدیریت شکاف مذهبی و ایدئولوژیکی شد.

### تغییرات فرهنگی مطلوب

کنش جمعی در هر جامعه‌ای، تابعی از سنجه‌های تغییر فرهنگی همان جامعه است. در کشور مصر، کنش جمعی به صورت فرآیندی از کنش‌ها در چرخه‌ای بسته و به صورت نظام‌مند با یکدیگر در ارتباط هستند.

فرایند کنش در کشور مصر همراه با یک مسئله آغاز شد که در دوره‌هایی، افرادی در قالب گروه‌ها و حزب‌های مختلف، برای اصلاح رژیم می‌کوشیدند، اما با عدم موفقیت این اصلاحات و جنبش‌های اجتماعی مقطعی، جامعه با شورش روبه‌رو می‌شود. اما تدریجاً این شورش به قیام هدف‌دار تبدیل می‌شود. سقوط مبارک در مصر، نشان‌دهنده پیروزی قیام مردم مصر بود اما دوران نتیجه‌یابی قیام و ریاست جمهوری محمد مرسی که به دلیل عدم تغییر فرهنگی مطلوب، توانایی حل کردن مسئله و مشکل اولیه ایجاد کنش را نداشت دچار جنگ داخلی و کودتا ضد رئیس‌جمهور منتخب می‌شود و به دلیل عدم تغییر فرهنگی، کنش جمعی به صورت چرخه‌ای بسته رخ‌نمایی کرد (اطه‌ری و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

اما انقلاب اسلامی به تغییرات فرهنگی مطلوب و مبتنی با نیازهای جامعه اسلامی دست یافت و با بهره‌مندی از کنش جمعی مبتنی بر مشارکت فعالانه و آگاهانه، تحولات بعد از انقلاب را مدیریت نمود. به تعبیری، کارگزاران انقلاب اسلامی بعد از پیروزی، به سرعت به انقلاب فرهنگی در جامعه دست زدند که دستاورد آن، گسترش ارزش‌های فرهنگی متناسب با ارزش‌های هستی‌شناختی و بنیادی انقلاب اسلامی بود. انقلاب فرهنگی و بازسازی محتوای دانشگاه‌ها یکی از نمونه‌های تغییرات فرهنگی مطلوب در راستای استمرار اهداف و انگیزه‌های انقلابیون بود.

### توسعه پایدار

اتخاذ سیاست‌های باز اقتصادی، گسترش نظام آموزش عالی، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و از سوی دیگر، فقدان توسعه سیاسی و آزادی احزاب و فعالیت‌های مدنی در سطح جامعه مصر منجر شد تا جوانان مصری با محرومیت نسبی مواجه شوند و هرچه فاصله بین توقعات و توانایی‌های ارزشی بیشتر شد، احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی در جوانان مصری فزونی یافت (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). در عین حال، توسعه وابسته به غرب و پیامدهای منفی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن در تاریخ مصر به خوبی نمایان است (سردارنیا و حیدری، ۱۳۹۴: ۶۹۹). به همین دلیل، پیشرفت خوداتکا و پایدار از جمله معضلات کلیدی دولت‌های مصر از زمان ناصر تا مبارک و حتی پس از انقلاب ۲۰۱۱ و حکومت محمد مرسی بوده است. اساساً میزان توانمندی و کارایی هر دولتی با عملکرد اقتصادی و توان آن برای نیل به توسعه سنجیده می‌شود؛ چرا که تأثیر مستقیم آن بر زندگی عموم مردم به‌وضوح نمایان می‌شود. با وجود توسعه اقتصادی مصر در پی دوره‌ی بلندمدت افزایش توسعه و رشد اقتصادی، به‌ناگاه در مرحله‌ی بلوغ، سیستم اقتصادی‌اش واژگون می‌شود. محروم نمودن برخی شهروندان از این رشد، مساوی با خشمگین نمودن آنان است. درست زمانی که جامعه از نظر برخی شاخص‌های اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری، رشد شهرنشینی و... پیشرفت نموده، فقر و بیکاری گسترده شیوع می‌یابد که این، نشان از عدم برنامه‌ریزی درست اقتصادی در مرحله‌ی بلوغ اقتصادی مصر بوده است (آجیلی و کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۵۴-۱۵۵). در اوایل دهه شصت در ایران، تلاش مسئولان و مردم در برقراری عدالت اجتماعی و توسعه همه‌جانبه (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و...) بود و با توجه به برخی از کاستی‌ها و نقاط ضعف،

اما کارهای اساسی و مهمی صورت گرفت که روند پیشرفت ایران را پایدار نمود؛ تا جایی که توجه به نسل‌های آینده در صدر توجه سیاستگذاران اقتصادی و سیاسی قرار گرفت.

### فرهنگ استکبار ستیزی

استکبار ستیزی و بدبینی نسبت به قدرت‌های استعمارگر یکی از مشخصه‌های فرهنگ راهبردی در شهروندان مصری می‌باشد (فوزی، ۱۹۹۲: ۵۸). اما این رویکرد در برخی از جناح‌ها و شخصیت‌های انقلابی وجود نداشت. به‌عنوان مثال، شمار عظیمی از نظامیان در ارتش مصر به سیاست‌های آمریکا تمایل دارند (دهقانی فیروزآبادی و کریمی، ۱۳۹۳: ۸۷). انقلابی که براساس استکبار ستیزی و مقابله با رژیم فاسد شکل می‌گیرد، باید این ارزش را حفظ نماید، زیرا اگر این دال گفتمانی اضمحلال یابد، ادامه انقلاب ارزشی نخواهد داشت و منجر به هویتی جریان انقلابی خواهد شد. در فرآیند انقلاب اسلامی، فرهنگ راهبردی استکبار ستیزی در جامعه نهادینه شده است و در کلام و رفتار دستگاه سیاست خارجی و مسئولان دولتی ایران به خوبی قابل مشاهده و رویت است.

### همبستگی و همدلی دولت- ملت

در شرایط پساانقلابی مصر، به دلیل وجود موانعی نظیر نبود اجماع در تبیین هویت ملی، خلل در انتقال باثبات قدرت و نیز گستره عمیق و وسیع فعالیت ارتش در مقابل نهادهای دموکراتیک، نه ملت و نه دولت با ویژگی‌هایی که در ایجاد پروسه دولت-ملت‌سازی موفق نقش داشته باشند، وجود ندارد (امام جمعه زاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۵). همین فرآیند ناقص دولت-ملت‌سازی و فقدان همبستگی مدنی و سیاسی منجر به سقوط حکومت ناشی از انقلاب در مصر بوده است. انقلاب اسلامی ثمره همبستگی و همدلی ملت بوده است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این پدیده تاکتیکی به راهبرد همبستگی و همدلی دولت-ملت تعبیر وضعیت داده است که بسیار با ارزش‌تر است و استمرار عملکرد صحیح ملی در گرو این همبستگی بین ساختار-کارگزار است.

### توانمندی شبکه‌های ارتباطی

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین منجر به وقوع بحران در مصر شد و جوانان مصری با کاربرد این ابزارها توانستند ارتباط مؤثر و پایدار بین افراد، اجتماعات، جنبش‌ها و افراد ذینفع درگیر در مدیریت بحران‌ها را تسهیل کنند. نقش آفرینی رسانه‌های نوین نظیر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک، توئیتر)، تلفن همراه (پیام‌دهی متنی)، وبلاگ‌ها، پست الکترونیکی و چت روم‌ها، عامل شکل‌گیری شیوه جدید مشارکت سیاسی در بین شهروندان عمدتاً جوانان در مصر بوده است. به‌عبارتی، فناوری‌های نوین ارتباطی نقش مهمی در رهبری و مدیریت این انقلاب ایفا کرده‌اند (عسکرخانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۹). از این رو، می‌توان ادعان داشت که پیامدهای گسترش شبکه‌های مجازی اطلاعاتی - ارتباطی در روند انقلابی مصر در ۲۵ ژانویه، زمینه‌گذار از فرهنگ سیاسی شبه مدرن در این کشور فراهم نموده و انقلاب

این کشور مهمترین تجلی چنین تحولی است (نبوی، ۱۳۹۵: ۱۸۷). در فرآیند انقلاب اسلامی، نقش تربیتی در رسانه سنتی که از طریق مساجد و تکایا صورت گرفته، در مقایسه با شبکه‌های مجازی در روند انقلابی مصر متفاوت بوده؛ و رسانه‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب تداوم و استمرار انقلاب شدند؛ در حالی که رسانه‌ای نوین و شبکه‌های ارتباطی در جنبش مصر چنین عمل نکرد و باعث کند شدن روند جنبش در این کشور و انحراف آن از جریان اصلی شده است (هراتی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

### کنشگری جوانان در امر سیاسی و اجتماعی

ساختار جمعیتی جوان و شرایط برآمدگی جوانان کشورها را مستعد انواع خشونت‌های سیاسی می‌کند. این مؤلفه در کشور مصر به صورت بالقوه فرصت‌ها و انگیزش‌های خشونت را افزایش داده و امکان بیشتری برای انقلاب با عرضه بیش از اندازه جوانانی با مطالبات حقوقی مشخص و انگیزش‌هایی ضد سیستمی به وجود آورد (آذری، ۱۳۹۴: ۱۳۵). به نظر هانتینگتون، کشورهایی که اکثریت ساخت جمعیتی آن را جوانان تشکیل می‌دهند، مستعد تغییرات و تحولات بیشتری هستند. در انقلاب مصر جوانان نقش کلیدی و تقریباً اصلی را در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی بازی کردند. مبارک در روزهای آخر قدرت خود چند بار کوشید با نسل جوان مصر سخن بگوید، افتخارات و آرزوهایش را بازگو کند و البته باز وعده بدهد. اگر در سه دهه گذشته صدای جوانان شنیده نشد، این بار نسل جدید مصر بود که حکومت را نادیده می‌گرفت (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۴۲). بنابراین، جوانان محور تحولات ساختاری مصر در روندهای انقلابی بوده‌اند (رویوران، ۱۳۹۰: ۲۹)؛ تا جایی که برخی از این جوانان طبقه متوسط، نقش‌های، مدیر و ایدئولوگ را در انقلاب ۲۰۱۱ مصر داشته‌اند (فرجی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). این جوانان بعد از پیروزی انقلاب در کشورشان و مشاهده برخی رفتارهای سیاسی متناقض در نهاد رهبری کشور، ناامید شده و در برابر کودتای نظامی علیه حکومت انقلابی، واکنش جدی از خود نشان ندادند. اما در روند فعالیت‌های انقلابی ایران، همه نیروهای اجتماعی از هر سن و جنسی حضور داشته‌اند و جوانان به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی، در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، نظامی و... مشارکت فعال و آگاهانه دارند که دستاورد آن، قدرتمندی ایران می‌باشد.

### الهام بخشی

انقلاب ایران در ربع پایانی قرن بیستم به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام‌گرایی سیاسی تأثیر بسیاری بر جریان‌های اسلام‌گرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بر جای گذاشته است تا جایی که بازتاب ارزش‌های سیاسی و صدور انقلاب اسلامی ایران در موج جدید بیداری اسلامی در خاورمیانه به‌ویژه تونس، مصر و لیبی قابل رویت است. صدور انقلاب اسلامی ایران از طریق حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی در سطح جهانی، الگوسازی موفق در زمینه ایجاد نظام سیاسی اسلامی و تبلیغ ارزش‌های سیاسی اسلامی به‌طور غیرمستقیم بر موج جدید بیداری اسلامی تأثیر گذارده است (عباس زاده، ۱۳۹۳: ۱۹). در مصر، به

جای صدور ارزش‌های سیاسی و فرهنگی، بیشتر الهام‌گیری از روند سایر تحولات کشورهای عربی بوده است.

**جدول ۱: شاخص‌های مقایسه عملکرد ساخت‌یابی در انقلاب‌های ایران و مصر**

ردیف	شاخص / مقومه	ردیف	شاخص / مقومه
۱	رهبری و هدایت جامعه	۱۰	ساخت اقتدارگرایی توأمان با دموکراسی صوری
۲	استحکام ساخت درونی قدرت نظام سیاسی	۱۱	مشروعیت و کارآمدی
۳	استقلال پایدار سیاسی	۱۲	حقوق و ارزش‌های متعالی
۴	اسلام‌گرایی (اسلام ناب در عمل سیاسی)	۱۳	هویت ملی منسجم
۵	وفاداری نیروهای ارتش و قوای مسلح	۱۴	وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ
۶	تغییرات فرهنگی مطلوب	۱۵	شکاف مذهبی و ایدئولوژیکی
۷	همبستگی و همدلی دولت-ملت	۱۶	توسعه پایدار
۸	توانمندی شبکه‌های ارتباطی	۱۷	فرهنگ استکبار ستیزی
۹	کنشگری جوانان در امر سیاسی و اجتماعی	۱۸	الهام بخشی

### تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، سعی شد تا از طریق پرسشنامه‌هایی که به افراد صاحب نظر داده شد، صحت و سقم مطالب مقایسه‌ای مشخص گردد. به همین منظور پرسشنامه‌ای در بین ۲۰۰ نفر از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی پخش شد که نتایج آنها به قرار زیر است. بر اساس تحلیل و توصیف منطبق با داده‌های تاریخی جمع‌آوری شده، روند عملکرد ساخت‌یابی در انقلاب مصر منفی بوده و تلاش انقلابیون منجر به شکست شده است و در نقطه مقابل، انقلاب اسلامی توانسته است براساس عملکرد ملی مناسب به روند خود ادامه دهد. توصیف آماری دو روند موفق ایران و ناموفق مصر در جدول زیر آمده است. داده‌های زیر براساس نرم افزار SPSS تحلیل شده‌اند.

### جامعه و نمونه آماری منتخب

جامعه آماری در پژوهش حاضر، جمعی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اساتید دانشگاه‌های تهران هستند که سیصد و پنجاه نفر مورد شناسایی قرار گرفتند که بعد از بررسی‌ها، دویست پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که توصیف جمعیتی و نوع مدارک تحصیلی نمونه‌های آماری در جدول زیر نمایش داده شده است که براساس تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات تقسیم‌بندی شده‌اند. از آنجایی که ضریب آلفای کرونباخ مقادیر بالاتری از ۰/۷ را نشان می‌دهد، نشان دهنده مقبولیت پایایی پرسشنامه‌ها می‌باشد.

### جدول ۲: تجزیه و تحلیل جمعیت شناختی نمونه‌های آماری پژوهش

تجزیه و تحلیل جمعیت شناختی					
فراوانی کل	درصد فراوانی به نسبت جنسیت و تحصیلات در هر مقطع تحصیلی		جنسیت		تحصیلات
			زن	مرد	
۵۲	۳۹,۴۲	زن	۴۱	۶۳	۱ کارشناسی ارشد
	۶۰,۵۷	مرد			
۳۳,۵۰	۲۶,۸۶	زن	۱۸	۴۹	۲ دانشجوی دکترا
	۷۳,۱۳	مرد			
۱۴,۵۰	۱۷,۲۴	زن	۵	۲۴	۳ دکترای تخصصی
	۸۲,۷۵	مرد			

توصیف داده‌های کمی ساخت‌یابی شکست و موفقیت انقلاب ایران و مصر در جدول ۳ نیز توصیف‌های آماری شکست ساخت‌یابی روند انقلابی در مصر نشان داده می‌شود.

### جدول ۳: توصیف‌های آماری شکست ساخت‌یابی روند انقلابی در مصر

پرسش	مؤلفه/شاخص	میزان تأثیر بر انقلاب مصر			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	فقدان رهبری منسجم	۱۸۰	۱۵	۳	۲
۲	ضعف استحکام درونی قدرت ملی	۱۲۰	۲۰	۴۰	۱۶
۳	بی‌توجهی به استقلال ملی	۱۱۵	۳۴	۹	۳۹
۴	جدایی دین از سیاست	۱۷۶	۲۰	۲	۱
۵	خیانت ارتش و نیروهای مسلح	۱۶۶	۱۹	۱۰	۵
۶	تغییرات نامناسب فرهنگی	۹۸	۸۶	۱۱	۲
۷	گسست دولت و ملت	۱۵۴	۳۲	۵	۹
۸	عدم پیوستگی شبکه‌های رسانه‌ای	۹۴	۶۹	۳۰	۱
۹	بی‌انگیزه شده جوانان و طبقه متوسط	۱۳۸	۳۵	۲۱	۲
۱۰	اقتدارگرایی و دموکراسی صوری	۱۳۹	۵۱	۶	۴
۱۱	بحران کارآمدی و مشروعیت	۱۰۹	۶۵	۲۶	۰
۱۲	عدم توجه به ارزش‌ها و حقوق انسانی	۱۲۷	۴۲	۱۹	۱۰
۱۳	هویت‌های چندگانه و معارض	۸۷	۹۶	۰	۱۵
۱۴	وابستگی اقتصادی به قدرت‌های غربی	۱۳۴	۳۱	۲۸	۷
۱۵	تشدید شکاف مذهبی و ایدئولوژیک	۱۵۱	۳۲	۱۲	۴
۱۶	توسعه نامتوازن	۶۹	۴۹	۸۱	۱
۱۷	تضعیف روحیه استکبارستیزی	۱۷۹	۱۰	۵	۲
۱۸	الهام‌گیری از تحولات سایر کشورها	۱۶۶	۲۳	۰	۱۰



براساس داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها، دریافت گردید که در میان عوامل شکست و انحراف انقلاب مصر، شاخص‌های: فقدان رهبری (۱۸۰)، تضعیف روحیه استکبارستیزی (۱۷۹)، جدایی دین از سیاست (۱۷۶) و خیانت ارتش (۱۶۶) از بیشترین فراوانی برخوردار هستند. در جدول ۴ نیز توصیف‌های آماری موفقیت‌ساخت‌یابی روند انقلابی در ایران نشان داده شده است.

**جدول ۴: توصیف‌های آماری موفقیت‌ساخت‌یابی روند انقلابی در ایران**

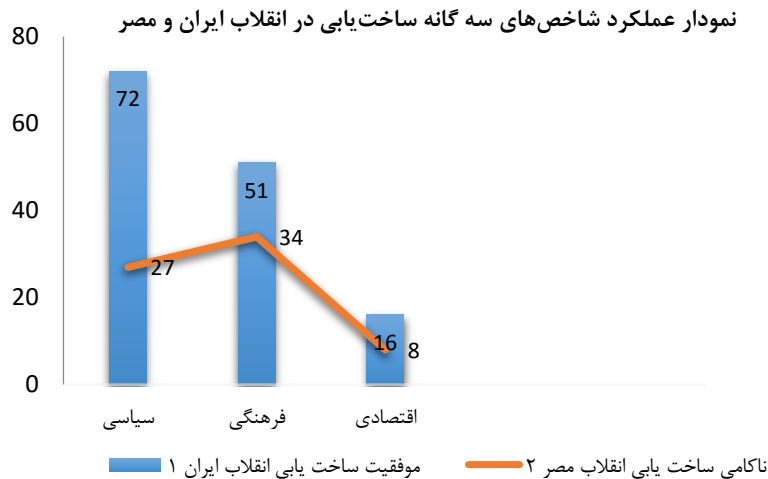
پرسش	مؤلفه/ شاخص	میزان تأثیر بر انقلاب مصر			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	رهبری منسجم و حکیمانه	۱۹۳	۲	۵	۰
۲	استحکام ساخت درونی قدرت	۱۳۳	۱۷	۳۶	۹
۳	استقلال سیاسی پایدار	۱۸۹	۱۰	۱	۰
۴	پیوند دین و سیاست	۱۶۰	۶	۱۴	۱۹
۵	وفاداری ارتش و نیروهای مسلح	۱۷۴	۲۶	۰	۰
۶	تغییرات فرهنگی مناسب	۱۲۸	۳۹	۹	۱۴
۷	همبستگی دولت و ملت	۱۹۱	۷	۲	۰
۸	پیوستگی شبکه‌های ارتباطی	۱۱۴	۴۲	۲۹	۱۳
۹	انگیزه و شور جوانان انقلابی	۱۸۲	۱۱	۶	۱
۱۰	مردم‌سالاری دینی و رهایی از استبداد	۱۶۷	۲۳	۳	۶
۱۱	کارآمدی و مشروعیت	۱۵۸	۱۲	۲۵	۱
۱۲	تقدم بر ارزش‌ها و حقوق انسانی	۹۳	۴۷	۴۹	۹
۱۳	هویت ملی منسجم	۱۶۳	۳۳	۱	۱
۱۴	از بین بردن وابستگی اقتصادی	۱۰۹	۶۱	۲۰	۳
۱۵	مدیریت اختلافات ایدئولوژیک و اعتقادی	۱۳۳	۳۷	۲۶	۳
۱۶	توسعه پایدار	۱۲۷	۵۹	۴	۹
۱۷	افزایش روحیه استکبارستیزی	۱۷۴	۱۶	۷	۳
۱۸	الهام بخش در سایر کشورها	۱۲۹	۴۱	۱۹	۷

در میان شاخص‌های موفقیت انقلاب اسلامی و تدام راه انقلاب نیز مواردی همچون؛ رهبری حکیمانه (۱۹۳)، همبستگی دولت و ملت (۱۹۱)، استقلال سیاسی پایدار (۱۸۹) و انگیزه و شور جوانان انقلابی در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی (۱۸۲) از بیشترین تأیید و فراوانی برخوردار می‌باشند. در جدول شماره ۵، تفکیک شاخص‌های ساخت‌بندی در فرایند انقلاب اسلامی و انقلاب مصر انجام شده است که مجموع شاخص‌های استخراج شده در سه بخش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد دسته‌بندی قرار گرفتند تا میزان برجستگی‌ها مشخص شود.

**جدول ۵: تفکیک شاخص‌های ساخت‌بندی در فرایند انقلاب اسلامی و انقلاب مصر**

ردیف	شاخص	وضعیت عملکرد از ۰ الی ۱۰	
		ایران	مصر
۱	سیاسی	۰	۸
		۸	۵
		۹	۳
		۱۰	۴
		۱۰	۴
		۸	۵
		۷	۱
		۱۰	۳
		۱۰	۴
۲	اقتصادی	۹	۵
		۷	۳
۳	فرهنگی	۱۰	۶
		۹	۷
		۸	۵
		۸	۴
		۷	۶
		۹	۶

برسی شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشترین وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران با انقلاب مصر، در شاخص‌های سیاسی می‌باشد که نزدیک به ۵۲,۹۴ درصد افتراق می‌باشد و در مرتبه‌های بعدی، شاخص‌های فرهنگی و اقتصادی به ترتیب با ۳۵,۲۹ و ۱۱,۷۶ درصد فراوانی قرار دارند که تجمع فراوانی و برجستگی آنها به صورت مقایسه‌ای در نمودار زیر آمده است.



نمودار ۱: عملکرد شاخص‌های سه گانه ساخت‌یابی در انقلاب ایران و مصر

### نتیجه‌گیری

انقلاب یکی از اجزاء لاینفک در عرصه سیاست بین‌المللی می‌باشد و این پدیده سیاسی و اجتماعی بارها و بارها به وقوع می‌پیوندد؛ که برخی از آنها پایدار می‌مانند (توانایی حفظ قدرت سیاسی را دارند) و خیلی از آنها از مسیر انقلابی‌گری خارج می‌شوند که عوامل مهم و زیادی در آن دخیل هستند. انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌های مهم و تأثیرگذار در اواخر قرن بیستم می‌باشد که بازتاب جهانی بسیاری داشت و توانسته است الگو بخش سایر انقلاب‌ها باشد و با گذشت چهاردهه از وقوع آن، همچنان برخی از ملت‌های اسلامی از آن برای سرنگونی رژیم‌های استبدادی خود بهره می‌گیرند. به همین دلیل، مقایسه این انقلاب با برخی از انقلاب‌های به وقوع پیوسته در دهه اخیر، می‌تواند نقاط قوت و ضعف این انقلاب‌ها را نشان دهد و بستر مناسبی برای تحلیل چرایی و چگونگی شکست‌ها یا انحراف‌ها باشد. به همین منظور، انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در کشور مصر را مورد بررسی قرار دادیم و از آنجایی که کشور مصر از توانمندی، نفوذ و جایگاه تمدنی بالایی در جهان اسلام برخوردار است، بررسی روند انقلابی این کشور می‌تواند حائز اهمیت باشد. بررسی روندهای ساخت‌یابی دو انقلابی ایران (۱۳۵۷) و مصر (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که؛ انقلاب مصر به دلایل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متعدد از مسیر اصلی خود منحرف شد و بی‌توجهی به ارزش‌ها و آرمان‌های اولیه انقلاب، منجر به فرسایش اعتماد مردم به ساختار شد و این روی‌گردانی مردم از روند انقلابی منجر به موفقیت کودتای نظامی علیه حکومت مرسى گردید. برخی از شاخص‌های ناکامی دولت مرسى در روند ساخت‌یابی این کشور عبارتند از؛

الف. شاخص‌های حوزه سیاست: (فقدان رهبری منسجم، ضعف استحکام درونی قدرت ملی، بی‌توجهی به استقلال ملی، جدایی دین از سیاست یا رواج سکولاریسم در بدنه دولت، خیانت ارتش و نیروهای مسلح، گسست همبستگی و همدلی دولت و ملت، اقتدارگرایی و دموکراسی صوری، بحران کارآمدی و مشروعیت، بی‌توجهی به حقوق انسانی، تضعیف روحیه استکبارستیزی، الهام‌گیری از تحولات سایر کشورها و...).

ب. شاخص‌های حوزه اقتصاد: (توسعه نامتوازن، فساد اقتصادی، وابستگی اقتصادی به قدرت‌های غربی، ارتباط مالی با آمریکا، توزیع نامناسب منابع و فرصت‌ها، و...).

پ. شاخص‌های حوزه فرهنگ: (تغییرات نامناسب فرهنگی، تشدید شکاف مذهبی و ایدئولوژیک، هویت‌های چندگانه و منازعات فرهنگی، عدم پیوستگی شبکه‌های رسانه‌ای، بی‌انگیزه شده جوانان و طبقه متوسط و...).

این در حالی است که چالش‌های فوق‌الذکر در روند ساخت‌یابی انقلاب اسلامی و استمرار آن در جامعه ایرانی به وقوع نپیوست یا اینکه میزان آنها بسیار اندک بوده است و همین امر منجر به بقا و حراست از انقلاب اسلامی شده است. شاخص‌های ساخت‌یابی در عملکرد انقلاب اسلامی به شرح زیر می‌باشد:

الف. شاخص‌های حوزه سیاست: (رهبری منسجم و حکیمانه امام خمینی(ره)، استحکام ساخت درونی قدرت و نظام ملی در ایران، تقویت پایه‌های استقلال سیاسی پایدار، پیوند دین و سیاست (الگوی حکمرانی علوی و نبوی)، وفاداری ارتش و نیروهای مسلح به آرمان‌های امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، همبستگی دولت و ملت در امور سیاسی و اجتماعی، مردم‌سالاری دینی و رهایی از استبداد سیاسی و اقتصادی، کارآمدی و مشروعیت نظام، پاسداشت حقوق انسانی و حریم شخصی، افزایش روحیه استکبارستیزی، الهام بخش در سایر کشورها و...).

ب. شاخص‌های حوزه اقتصاد: (توسعه پایدار و مطلوب، از بین بردن وابستگی اقتصادی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع در سراسر کشور، قطع روابط مالی و اقتصادی با آمریکا و رژیم صیہونیستی و...).

پ. شاخص‌های حوزه فرهنگ: (تغییرات فرهنگی مناسب یا انقلاب فرهنگی مطلوب در جامعه پس از انقلاب، هویت ملی منسجم و یکپارچه با وجود کثرت‌گرایی قومی و مذهبی، توجه به ارزش‌ها و اصول فرهنگ اسلامی، مدیریت اختلافات ایدئولوژیک و اعتقادی، پیوستگی شبکه‌های ارتباطی با رویکرد تربیت و آگاهی بخشی، انگیزه و شور جوانان انقلابی و...).

این شاخص‌ها باعث شدند تا عملکرد ساختار-کارگزار در انقلاب اسلامی ایران، در راستای حراست از دستاورد ملت ایران قرار بگیرد و برخلاف کشور مصر، تمامی انرژی کارگزاران (سطح خرد) و ساختار (سطح کلان) برای مانایی نظام جمهوری اسلامی ایران مصرف شود. وجوه تمایز شاخص‌ها در این دو انقلاب نیز براساس الگوی جدول مبتنی بر داده‌های دودویی (دو ارزشی) با مقوله وجود یا عدم نمایش داده می‌شوند. البته در جدول زیر اعداد صفر نشانگر عدم یا تزلزل در شاخص می‌باشد و یک نشان دهنده

وجود شاخص اما به صورت ضعیف می‌باشد و در نهایت عدد دو به معنای قوی بودن وجود شاخص مورد ارزیابی می‌باشد است.

**جدول ۶: صحت شاخص‌های ساخت‌یابی در انقلاب ایران و مصر براساس داده‌های پرسشنامه**

ردیف	شاخص‌ها	انقلاب ۱۳۵۷ ایران	انقلاب ۲۰۱۱ مصر
۱	رهبری و هدایت جامعه	۲	۰
۲	استحکام ساخت درونی قدرت نظام	۲	۱
۳	استقلال پایدار سیاسی	۲	۰
۴	اسلام‌گرایی	۲	۰
۵	وفاداری نیروهای ارتش و قوای مسلح	۲	۰
۶	تغییرات فرهنگی مطلوب	۱	۰
۷	همبستگی و همدلی دولت-ملت	۲	۱
۸	توانمندی شبکه‌های ارتباطی	۲	۱
۹	کنشگری جوانان در امر سیاسی	۲	۱
۱۰	اقتدار گرایی	۰	۲
۱۱	بحران مشروعیت و کارآمدی	۰	۲
۱۲	حقوق و ارزش‌های متعالی	۲	۱
۱۳	هویت ملی منسجم	۱	۰
۱۴	وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ	۰	۲
۱۵	شکاف مذهبی و ایدئولوژیکی	۰	۲
۱۶	توسعه پایدار	۲	۱
۱۷	فرهنگ استکبار ستیزی	۲	۰
۱۸	الهام بخشی	۲	۰

در نهایت، الگوی استخراج شده از وجوه تمایز این دو انقلاب در نمودار ۲ به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۲: وجوه افتراق عملکرد ساختار- کارگزار در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر

## منابع

- ابراهیمی، حوا (۱۳۹۵)، «بررسی جنبش اجتماعی مصر با تأکید بر نقش جوانان و ساختار جمعیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، زمستان، شماره ۴.
- آجیلی، هادی؛ کشاورز، الهام (۱۳۹۴)، «شاخص‌های توسعه کشور مصر دوره‌ی انقلاب ژانویه ۲۰۱۱»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره سوم، پاییز و زمستان، شماره ۷.
- آخته، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «بزرگ‌ترین جنبش سیاسی مصر»، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، تیر، شماره ۱۵۸.
- آذری، محمد (۱۳۹۴)، «جمعیت جوان و خشونت‌های سیاسی در خاورمیانه: مورد پژوهی کشور مصر»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان، شماره ۲۶.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سروش.
- اشرفی، اکبر؛ سلامت، طیبه (۱۳۹۴): «رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر؛ تحلیلی بر نقش محمد مرسی در شکست انقلاب مصر»، جستارهای سیاسی معاصر، تابستان، شماره ۱۶.
- اطهری، سیدحسین؛ حسینی، سیدعباس (۱۳۹۴)، «رویکرد تغییر فرهنگی و مدل برساخته چرخه بسته کنش جمعی در جوامع بهره‌مند از ارزش‌های بقا: مطالعه موردی مصر»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره سوم، بهار و تابستان، شماره ۶.
- افشار کهن، جواد؛ شرفی، برومند (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران، جهانی شدن و جنبش سیاسی نوین در مصر»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره دوم، زمستان، شماره ۵.
- اکوانی، حمدالله و دیگران (۱۳۹۵)، «منازعه گفتمان‌های اسلام‌گرا و سکولار در جنبش انقلابی مصر (۲۰۱۳-۲۰۱۱)؛ بسترها و نتایج»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، بهار، شماره ۱۷.
- اکبری، نورالدین (۱۳۹۱)، «بررسی انقلاب مصر و انطباق آن با انقلاب اسلامی ایران از منظر نظریه اصالت ساخت و اصالت کارگزار»، فصلنامه پانزده خرداد، سال دهم، پاییز، شماره ۳۳.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ حشمتی، امیر (۱۳۹۳)، «دولت-ملت ناکام در مصر (تحلیل تحولات مصر پس از مبارک در قالب نظریه‌های دولت-ملت سازی)»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، شماره ۳۷.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۳)، «ظهور طبقه متوسط فکری و نقش آن در تحولات اخیر مصر»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، تابستان، شماره ۱۱.
- بصیری، محمدعلی؛ شیخ حسینی؛ مختار (۱۳۹۱)، «بررسی انقلاب اسلامی ایران بر اساس رابطه ساختار-کارگزار در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره نهم، تابستان، شماره ۲۹.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۵)، «دولت عمیق نظامیان و کودتای جامعه مدنی در مصر با تأکید بر تحولات سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان، شماره ۱۸.
- ثابتی، فرشته؛ بیژن، عارف (۱۳۹۵)، «تبیین نقش برجسته امام خمینی(ره) در تشکیل گفتمان مسلط بیداری اسلامی»، فصلنامه حقوق ملل، زمستان، شماره ۲۴.
- حسنی، سید حمیدرضا؛ موسوی، هادی (۱۳۹۱)، «ساخت و عامل در نظریه اعتباریات و نظریه ساخت‌یابی گیدنز»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره ۲.

- خدوری، مجید (۱۳۶۹)، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: وزارت امور خارجه.
- دارا، جلیل؛ کرمی، مصطفی (۱۳۹۲)، «نقش اخوان المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر در پرتو رابطه ساختار-کارگزار»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، پائیز، شماره ۳.
- دهبانی‌پور، رضا (۱۳۹۵)، «انقلاب مصر (۲۰۱۱) و جهانی شدن حقوق بشر»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، بهار، شماره ۱.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال؛ کریمی، پریسا (۱۳۹۳)، «نظامیان و گذار به دموکراسی در کشورهای عرب: مطالعه موردی نقش نظامیان در تحولات سیاسی-اجتماعی مصر»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، زمستان، شماره ۱۴.
- دومانلو، طیبیه و دیگران (۱۳۹۳)، «دموکراسی یا اقتدارگرایی: ناکامی سیاسی اخوان المسلمین»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، بهار، شماره ۱۰.
- رضادوست، کریم (۱۳۸۵)، «مردم‌سالاری در مصر؛ چالش‌ها، موانع و محدودیت‌ها»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره دوم، زمستان، شماره ۴.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، *توسعه و تضاد*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- رهبر، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۴)، «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۴، پاییز، شماره ۱۴.
- رویوران، حسن (۱۳۹۰)، «جوانان محور تحولات ساختاری مصر»، هفته نامه پنجره، بیستم فروردین، شماره ۸۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ حیدری، مصطفی (۱۳۹۴)، «تحلیل جنبش اجتماعی مصر در چارچوب نظریه‌های متاخر جنبش‌های اجتماعی و جان فوران»، فصلنامه سیاست، پاییز، شماره ۳۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، «تحلیل ساختاری و کنش‌گرا بر چرایی تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان، شماره ۱۰.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، «تحلیل ساختاری و کنش‌گرا بر چرایی تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر»، فصلنامه روابط خارجی، تابستان، شماره ۱۰.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ دهقان، حوریه (۱۳۹۳)، «ناکامی دولت اخوان‌المسلمین پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر رویکردی جامعه‌شناختی»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره ۵.
- سمیعی، علیرضا؛ کیانی، امران (۱۳۹۴)، «پیروزی و ناکامی گفتمان اسلام سیاسی تجربه‌ای متفاوت در ایران ۱۹۷۹ و ۲۰۱۱»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، تابستان، شماره ۲.
- صابردوست، مهناز (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست خارجی ایران در حوزه مسائل هسته‌ای بر اساس چارچوب ساختار-کارگزار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه اصفهان.
- صدیقی، بهرنگ (۱۳۸۹)، «تئوری ساخت یابی آنتونی گیدنز: پیامدهای تئوریک و روش‌شناختی و کاربرد عملی آن در جامعه‌شناسی»، پژوهش اجتماعی، دوره سوم، زمستان، شماره ۹.
- صفوی، یحیی؛ ابراهیمی، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی نسبت گفتمانی میان بیداری اسلامی (انقلاب‌های تونس و مصر) با انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۴۰.



- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: نشر قومس.
- طباحی ممقانی، جواد (۱۳۹۳)، «تحلیل هویتی ریشه‌های پیدایی تحولات سیاسی ۲۰۱۱ مصر بر مبنای الگوی هستی‌شناختی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، شماره ۱۱.
- عباس زاده، مهدی (۱۳۹۳)، «صدور انقلاب و موج جدید بیداری اسلامی در خاورمیانه»، مطالعات افکار عمومی، تابستان، شماره ۱۰.
- عبدالعاطی، عمرو (۱۳۹۵)، «لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا در قبال مصر ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳»، ترجمه اکرم آزادی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، سال هفدهم، بهار، شماره ۱.
- عسکرخانی، ابومحمد و دیگران (۱۳۹۳)، «نقش رسانه‌های اجتماعی جدید و شبکه سازی در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر و بحران‌های پس از آن»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، پاییز، شماره ۱۰.
- عظیمی، امیر (۱۳۹۵)، «ماهیت سرکوبگرانه رژیم‌های سیاسی و انقلاب‌ها: مطالعه‌ای تطبیقی»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره هفتم، زمستان، شماره ۲۲.
- غفاری، زاهد؛ قلندری، فاطمه‌زهرا (۱۳۹۲)، «تحلیل‌های توطئه‌باورانه در فرهنگ سیاسی مصر»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره اول، بهار و تابستان، شماره ۱.
- فرجی، شهریار و دیگران (۱۳۹۴)، «نقش طبقه متوسط جدید در انقلاب ۲۰۱۱ مصر»، فصلنامه سیاست جهانی، سال چهارم، تابستان، شماره ۲.
- فیضی، سیروس (۱۳۹۵)، «انقلاب اسلامی ایران و رویارویی غرب با جنبش‌های اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۱۸.
- کشاورز شکری، عبا؛ عابدینی، الهه (۱۳۹۴)، «آسیب‌پذیری‌های دولت حسنی مبارک و بسیج انقلابی در مصر»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره سوم، بهار و تابستان، شماره ۶.
- گراوند، مجتبی؛ ظفری، محمود و ذهابی، مجتبی (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی عوامل کامیابی اسلام‌گرایان ایران و مصر، و ناکامی هم‌تایان مصری در حفظ قدرت سیاسی پس از انقلاب»، تاریخ نامه انقلاب، زمستان، شماره ۱۰.
- گودوین، رابرت؛ تیلی، چارلز (۱۳۹۰)، تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها، ترجمه رضا سیمبر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجیدی، حسن (۱۳۹۳)، «گفتمان‌های هویتی در خاورمیانه بر پایه نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه پیو»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، پاییز، شماره ۱۲.
- مسعودنیا، حسین؛ سعیدی، ندا (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم انداز تحولات کشور مصر، مجله دانش سیاسی، بهار و تابستان، شماره ۱۵.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳)، «ژئوپلیتیک هویت و سیاستگذاری امنیتی در موازنه منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، تابستان، شماره ۳۴.

- مظاهری، محمد مهدی و دیگران (۱۳۹۴)، «نقش نظامیان در روند بیداری اسلامی مصر»، فصلنامه سیاست دفاعی، پاییز، شماره ۹۲.
- ملائکه، حسن؛ حسینی، محمدمبین (۱۳۹۵)، «علل ناکامی اخوان المسلمین در تشکیل حکومت با ثبات در مصر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، بهار، شماره ۲۶.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- میشل، ریچارد (۱۳۸۹)، *بزرگترین جنبش سیاسی مصر*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: وزارت امور خارجه.
- نبوی، سید عبدالامیر؛ رحیمی، مریم (۱۳۹۵)، «تغییر فرهنگ سیاسی شبه مدرن و تحولات خاورمیانه عربی؛ مطالعه موردی مصر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، شماره ۱۹.
- نبوی، سید عبدالامیر؛ زمانی، صالح (۱۳۹۴)، «فروپاشی حکومت مبارک در مصر؛ یک تحلیل ساختاری»، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین المللی، تابستان، شماره ۴۲.
- نساج، حمید و دیگران (۱۳۹۳)، «تأثیر شکاف عقیدتی شیعه و سنی در روابط سیاسی میان ایران و مصر پس از سقوط مبارک»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره ۵.
- نظری، علی اشرف؛ صیادی، محمد (۱۳۹۴)، «اسلام‌گرایی، پراگماتیسم و کنش سیاسی در مصر پس‌انقلابی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱»، پژوهشنامه علوم سیاسی، تابستان، شماره ۳۹.
- نیاکویی، امیر (۱۳۹۵)، «کودتای نظامیان در مصر و ترکیه: زمینه‌ها و نتایج متفاوت»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، تابستان، شماره ۲۰.
- هراتی، محمد جواد؛ قاسمی، بهزاد (۱۳۹۳)، «تفاوت جایگاه و نقش رسانه در انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۹.
- هراتی، محمد جواد (۱۳۹۴)، «مطالعه‌ی تطبیقی آزمون‌پذیری نظریه‌ی انقلاب هانتینگتون با انقلاب در ایران و مصر»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره سوم، پاییز و زمستان، شماره ۷.
- هراتی، محمد جواد (۱۳۹۵)، «تفاوت نقش و جایگاه ایدئولوژی در تحولات انقلابی ایران و مصر»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، زمستان، شماره ۲۱.
- هرسیج، حسین و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر انقلاب مصر از منظر جنبش‌های اجتماعی جدید و تله‌ی بنیانگذار»، جستارهای سیاسی معاصر، دوره هشتم، تابستان، شماره ۲۴.
- Ahmadian, Hassan (2014), "Egyptian Foreign Policy Identities", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Fall, Vol. 5, No. 3.
- Fawzy, Mansour (1992), *The Arab World: Nation, State and Democracy, Studies in African Political Economy*, London, zed books.
- Giddens, Antony (1984), *the constitution of society*, Cambridge, Polity press.
- Mousavi, Seyed Masoud; Naghdi, Farzaneh (2014), "Governance and Revolution in Egypt", *Iranian Review of Foreign Affairs*, summer, Vol. 5, No. 2.
- Ragin, C (1994), *Constructing Social Research: the Unity and Diversity of Method*, London, Pine Forge Press.
- Seidmam, Steven (1996), *Contested Knowledge; Social Theory in Post modern Era*, Oxford: Blackwell Publisher.